

انفرادی

مهرداد مهرجو



www.tabarestan



پیشکش پہ تبرستان
www.tabarestan.in

به نام خدا

پیشکش بہ تبرستان
www.tabarestan.info

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

انفرادی

میرشناسه: مهرجو، مهرداد، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: انفرادی / مهرداد مهرجو .

مشخصات نشر: تهران: نشر سولار ، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۹۰ ص. ؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

فرومت: شماره نشر: ۹۰.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۱۸-۷۰-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- ۲۰th century

رده‌بندی کنگره: PIR/۸۳۶۱/الف۳۸۳، ۸۸۳۹۵، ۱۳۹۵ ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی: ۶۲/۱۸۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۷۴۴۰۰



پیشکش به تهرستان
www.tabarestan.info

انفرادی

مهرداد مهرجو





انتشارات سولار

شماره نشر ۹۰

انفرادی

مهرداد مهرجو

مدیر اجرایی: فاطمه اقبالی

مدیر فنی چاپ: فرهنگ حسن زاده

مدیر هنری: پژمان گلپور

طراحی جلد: میلاد روح آبادی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰-۷۷۱۸-۷۰-۴

قیمت: ۱۱۹۰۰ تومان

چاپ و صحافی: هورنو ۶۶۴۶۰۱۲۹

همه حقوق مادی و معنوی این اثر در اختیار نشر سولار بوده و نقل و چاپ تمام یا بخشی از آن منوط به اجازه رسمی و کتبی از ناشر می باشد و استفاده غیرقانونی از آن پیگرد قانونی دارد.

آدرس: ایرانشهر جنوبی، پلاک ۳۱، طبقه ۳، واحد ۱۱. تلفن: ۷۷۵۵۸۴۳۸ - ۸۸۳۴۲۶۳۶ - ۰۹۱۲۷۲۰۳۷۵۶

soolarpub@gmail.com

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info
به عزیزانم:

پونه و مها

پیشکش بہ تبرستان
www.tabarestan.info

زیر آسمانی که بغضی دارد کبود
مانند کودکی لیلا
در جنگی که دوستش ندارم
بی وقفه
بی تفنگی در دست
تا بارانی که نبارید
با دلی سیر از نخندیدن
مسیری را که نیامدیم
تا این جای راه نرسیدیم
ناگهان حرف از حرفمان
بند می آید.

خواهر کم در کابل
پایش روی مین رفت
قناری ای در دل او
یک جا پر گرفت
برادرم در هوئه لیر
دست خود را داد
تنگ پرنده هایش
مادرم هر روز در سواحل جنوب
رو به دریا
در قفس را باز می گذارد
و بلند بلند صلح را

«افرح بسرور قلبک» می خواند

و من هر صبح

با صابون داو^۱

صورت‌م را روبروی بیانیه صلح

می شورم.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۱. داو: dove، کبوتر

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۳

از لبِ نگفتن که می‌گویی
چمدان‌ام باز می‌ماند / می‌مانم
این ماه نشسته بر قاب
چه حکایتی دارد
اول بیداری.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۴

چشم‌های بادامی‌ات
با دامی که دارند
باد را هم به باد می‌دهند.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۵

قالب پنجره
راه به ماه نمی برد
پریدن
افتادن هم دارد
یوز هم که باشی
آن بالا
عقابی با بال‌های باز
به چنگال می گیرد
می اندازد از
در آبی که می خروشد
بیا اینجا

به چشم‌های تو برگردیم
ماهی در چشم پیدا است
پرده‌ها را بکشیم
مدار چشم تو
از لبه نگاه‌ام می‌جوشد.

حساب از این حرف‌ها جداست
از فیزیک هم بگذریم بهتر می‌شود
بهتر می‌شود بود
هوای دیگری هم هست
ذره در خود دنیایی دارد
نقطه را برداری از آن
تا ته‌اش سقوط می‌کنی
ملکول‌ها هم همین‌طور
در خود ملک و جایی دارند
جابجا به کار گرفته شوند
هیچ جوری جور نمی‌آیند
در برابر کنش‌های سازنده هم

واکنشی نشان می دهند

اصلن این حرف ها چه شیرینی دارند!؟

راه خود را پیش بگیریم

این یال را پشت سر بگذاریم

تا قله چیزی نمی ماند

بیا همین طور در روح هم

بمانیم

بال می گیریم!

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۷

از مرز تا مرز
سیم خاردار مانده هنوز
تا گلدار شود
و من و ما
در بارانی که می آید
در بهاری
که از راه رسید این بار.

حیران می مانم
از گردش چشمانات
از حجم چراها
در چمنزار لخت
از سُم ضربه های فراموشی
که در تاک تیکی تازه
خواب آبادی را می آشوبد
کمی سوسوی بی سوال
به جوابی جان می دهد.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۹

هر دانه‌ی برفی
بر شانه که می‌نشیند
در گوشه‌ی
حرفی از تو دارد.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۱۰

انفرادی
جای عجیبی است
لب ساحل هم اگر باشی
تحویلِ سال!

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۱۱

کلاویه‌ها که غنچه کنند

خاک‌ام بشکافی

قد دوست داشتم

در افتادگی‌ام در تو.

عینک را برداشتیم
رو به روی هم
در برداشت اول نشستیم
می بینی سالاد یونانی فلفل ندارد
بهتر است / در حال باشم
نگاه از فلسفه دور می شود
لهجی غلیظ سس را مزه می کنم
تا از انگشتان تو نچکد
لحن تو را دارم
با تو که حرف نمی زنم

۲۴ مهرداد مهرجو

زبان ما یکی می شود

شبیه بودن تو

این جا فقط یادم بماند

سالاد یونانی برای رژیم خوب است.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۱۳

تا برسد این جا
ریل را عوض می کند
قطاری که سوت می کشد.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۱۴

دلم شادی می‌خواهد
این روزها
دستش بگیرم
در بین گل‌ها
گلچین‌اش کنم
تبسم زند بهار.

به اوج که می رسی
پر می گیری
آینه می رقصد
فنجان چای روی میز
و تو
باز اوج.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۱۶

نابجا نیست
تکرار اشتباه فایده ندارد
سیمرغ هر کجا باشد
قله را بلد است!

نه مثل حاصل دو دو تا پنج
نه مثل دست چپ
که غیر از چپ نیست
کمی حوصله کن
راست می گویم
باد و بادبادک
این جا هر دو
یکی است.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۱۸

از این جا
به جایی که
دلی با تو هست
کسی نیست
و تو چه دلی
که دلی با تو نیست.

ساعت بیست و پنج
در سی و دو نوروز
چه قدر تاریک بودم
که تو ماهام شدی.

۲۰

از آزادراه که می آیم
چیزهایی دارد که به تصادفام می کشاند
ماشین ها
که به هم می رسند
یا رد می شوند
رد هم را می گیرند
بی ربط به هم ربط دارند
بین خطوط شیشه را پایین می کشم
سرما خاموش می شود
بین خطوط که حرکت می کنم
چیزهایی دارد مرا به تو می رساند

نخوانده

نرفته

نگفته‌هایی هست تا چراغ راهنما

و آینه‌ی بغل زودتر از رسیدن به ظهور می‌رساند

بی‌محابا پیش می‌روم

به تو می‌کشد مرا مقصد

سفیدی‌های آزادراه را

به هم ربط می‌دهم

من جنونم از تو می‌آید

درد شادی فرمان می‌دهد

چرخ را می‌چرخاند

چرخ را به جاده مانوس می‌کند

تا تو

تا من.

حالا که دیگر آن یکی نیستی
تا اوج سه گاه پا به پایم کنی
بگیری به پایم
به نگاهت در آمدن.

با چکامه‌های تو در تو
آوازی که در نبودنات نخواندم
بداهه سر دهم از ته دل
لای تحریرهای زخمی
گاه به گاه هوش نبودن‌ام
خارج از گوشه‌های پرده

بیدل چنگی بزن قشنگ
دل بر بایی دل از دلام
به ربایی که صدای تار دارد
تا به تایی تو شوم تا بشوم
حالا که دیگر آن یکی نیستی.

نگاهت به ناگهان فواره‌ای دارد
همین که بی‌درنگ به اوج می‌کشاند
ماهی کوچکی می‌شود
سطح موج کاشی فیروزه‌ای
در بدخشانی حوض چندوجهی
باله‌هایش می‌رقصند
درخششی دارد
از نیاورانی که با تو می‌آیم
زیر طاقی که ضرب می‌زنی
به ضرباهنگ تو ضرب می‌کند
ضربانم آهنگی می‌گیرد ناگهان
هی ضرب هی ضرب

به بازار می آیم

به بازار با زار می آیم

با کتیبه ای که از تو دارد دلام

نقش می شود / هر کس که می خواند

به تو می رسد.

وقت رفتن کوه می شود یار
گرمایش تمام می شود برف و
دست می کشد بر پیشانی
در من جوشی دارد جنون
که لام تا کام لال شدن
از حرف زدن می مانم
یک دم می شود آبشاری
سرریز می کشدم بالا
پیچ و تاب می دارد
حالی که هستیم
سفر مقصد می خواهد چه کار؟

بلندی‌ها در سطح پا می‌گیرد
سیر آدم هر دم عوض می‌شود
در هر عبور
هر حضور
هر گردنه‌ای می‌رسم
گردنی می‌کشد
در تخت سلیمانی بعدِ هر کمینگاه
جا خوش می‌کنم
پا می‌گیرد این شور
پشت مه‌ای که ماه ندارد
پناهگاه می‌شود
تا قله به اوج برسد
پا به ماه!

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۲۴

گفته بودم
دیوار همان دریاست
پشت میله‌ها می‌فهمم
ماهی آزادی هستم راهی تو.

در تور ماهیگیر
شنا می‌کنم
انفرادی!

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۲۵

پشت میله‌ها بهار ماست

وقتی بیاید

من هم

گل می‌دهم.

لب دریا را دوست دارم
تا حرف بیاید دوست داشتن را
کمر خم می شود
یکی یکی
زباله ها را که بر می دارم
زیبا به نظر می آید
از لب دریاها برایش می گویم
دل ام برای داشتن تو عمیق است
هیچ نطقه ممنوعه ای نیست
برای غواصی
برای در خودم رفتن

خورشید که باشی طاق می شوم

گرم

داغ می شوم

این اوج از عمیق بودن است.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۲۷

ریخت صحنه بهم ریخت
با دستی که پرده را کنار زد
انتخابم تو بودی
کارگر بود / ذهنیتی که ساخت.

از آبادانی که طلوع کرد
کافی است کمی پلک بزنی
تا شمال چشمانات بال می گیرد
در خود اروندی دارد
جوری جاری است
مرزها را می شورد
از این سو که دارم می آیم.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۲۹

گلدان روی میز
حضور تو را
معطر می کند
فکر می کنی نیستی.

۳۰

عاشق که باشی
تازه می شوی ماهی
دریا یک جوری شور دارد
که شنا کردن
از ساحل دور شدن است
رفتن راه دیگری دارد
ماهی در خود یونسی
که می شود ماه.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۳۱

در من هواپیمایی
با تاخیر
پرواز می کند
هوایی که می شوم
خبرم را ندارد
تا تکه های دلام را
از کف اقیانوسی
که آرام نیست
بیرون بیاورند
حالی در نگاهت
غرق می شوم.

در طبیعتم اسبی ندیدم
اسبی را درمان کند
چنگ بزن در یالم
با بوی تو
حالم خوب می شود!

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۳۳

قرار ما
وقت انار
سرخی‌اش از تو
دانه‌هایش با من!

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۳۴

گندم‌ها
ایستاده می‌رقصند
ایستاده می‌میرند
مبادا باد
کمر خم کند!

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۳۵

با چراغی در دست
به این جا نمی رسی
از سوی دلت
به سویم بیا.

مورچه‌ای درد می‌کشد بر شانه
کسی دانه دارد
دارد شانه می‌کشد بر اندوه
سلطانی که مغز ندارد
بر عطش مارهای سیاه.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۳۷

درست کاکتوسی که در خاک
این دست‌ها
ریشه در بالا دارند
خاکم کجا می‌شود
این گونه که خاکسترم.

صبح که می شود
از تار و پود پرده
آفتاب بی تاب می کند
تا با تو
چشم در چشم.

آدم اشتباه می‌کند
حرفی نمی‌ماند برای نه گفتن
با رفتن دور نمی‌شوی از من
آغوش‌ات معصومیتی دارد که فضا
آکنده از بوی شیر است
سرپوش گذاشتن در کار دل
اشتباهی در اشتباه می‌شود
بی‌پروایی می‌خواهد این روزها
پشت میله‌ها مجنون می‌شود لیلاً
هر روز که می‌گذرد
رفته رفته در لاک خودت فرو می‌روی

و در چشمان دیگری بلند می‌شوی
همین‌طور است
آدم خلوت اشتباهی دارد
راه نمی‌شناسد و زنجیر پاره می‌کند.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۴۰

در هواخوری
عطر حضورت
لبریز است پیراهنم
آمدنت را به بند
گره زدی به آستین!

رفتنی که باشی
در بودند هم می روی
اینجا که ایستاده ای
چشم اندازی به دریا ندارد
برای دل کندن عمیق که باشی
بر شنای ساحل شنا کردن
فرق دارد تا دل ببری
می بینی
نماندن بهانه می خواهد.

مأمور هم قبول ندارد
از آمدن ام شناسنامه‌ام را گرفت
کارت ملی را گم کردم
به جرم سر به هوایی
صندلی‌ام را از دست می‌دهم
حسابی که مسدود شدم
از دنیا جدا ماندم
برای سفر مقصدی نیست
ویزایی برای گم شدن
و گلی برای از دست دادن
برای نبودنم

سنگ تمام گذاشتی
وسط این همه بلا تکلیفی
خودم را دارم به کوه می برم!

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۴۳

دامن از دامنه‌ها
گل‌دارتر است
وقتی دنیای‌ام
خنده‌های تو می‌شود.

افسری که به جنگ

بر می گردد

فرمان آتش دهد

چند ستاره دارد

و سربازی که آب

به گل ها می رساند

فکر کاشتن

گل سرخی

در سیاره ای دیگر است.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۴۵

سینه‌سرخ‌هایی آمدند
پا گذاشتند به خاک‌ام
یکی پس دیگری
دانه‌ها را برداشتند
دانه‌هایی که کاشتم.

سینه‌سرخ‌هایی که می‌آیند
به خاکم پا می‌گذارند.

از گل‌های ملافه بیرون می‌زنی
از گلدان لالایی مادرم
چشم‌هایم را هم آوردم
تو را ببینم
در بیدارباش انفرادی.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۴۷

در رفتنم با تو
قراری هست
با گلی دیگر رسیدن
گلی در دل کاشتن.

دل‌ها را گرفتند
در قفس بستند
و هنوز خیال می‌کنند
پرواز آزادی می‌خواهد.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۴۹

گذشته از رود
جا مانده پالان
رود خروشان.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۵۰

قرار ما
فصل انگور
جام‌اش با تو
شراب‌اش با من!

آن جا است دلم
که گوهر دشتم در بند است
از خاکم به او می گویم
به او می گویم
در بالا بلندی ها
درون شب را
سلول جدیدی می سازیم
برای روییدن
بودن بوییدن
و هر زندانی
یک باغبان است
برای جیک جیک گنجشک ها.

برای کم رنگ بودن
نقشه‌ای در کار نیست
همیشه دار بهانه خوبی می شود
تار و پودی ندارم
نقش‌های مهمی بازی می کنم
شانه به شانه دارم به خودم
از دار دور می شوم
جا در جا می مانم
در نقش گرفتن هایم
نقشه‌های مهمی بازی می کنم.

ترافیک
حواس آدم را
به کناری پرت می‌کند
برای گذر از شلوغی
تا مشغول کار هستند
از روگذر می‌گذریم
تقاطع‌ها را غیر هم‌سطح
با هم می‌سازیم.

خوابی دیدم
مصلوب سکوت سایه‌ها
هستم
خوابی تازه‌تر
خانه‌ی بی‌سقف
از کف دو دست
ستاره روییده است.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۵۵

دل بکند از دلم
با خودش ببرد
عقابی که دورها
در دل لانه دارد.

چشم تو خزری دارد

موج می زند

بی محابا

دل می برد

بی دل می شوم.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۵۷

چیزی از تو
هست که می نویسد مرا
دستم را دراز می کند
روی صفحه عمیق
می روم
اوجم در نگاهت
موج می زند.

موجی که در نگاهت
در سطح ناهموار
با حرفی لمس شده
در چشمت
لبریز که می شوی
ماهی می بینم.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۵۹

دانه

مفهومی درش پیدا

نوج می زند

در پلک زدنی.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۶۰

به رنج
سبز می شود
کار شب پا!

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۶۱

حالی ام می کند
از حالی
شالی.

گردوها رنگ می گیرند

در دستم

پوست می اندازم

در پوستی که می اندازم

مفهومی تازه دارم

جان می گیرم.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۶۳

سر به سرم می‌گذارند
آلوچه‌های وحشی
ترش شیرین
شاخ می‌شوم از شاخه بالا می‌روم
برداشتی تازه.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۶۴

برای اسبی
که سم نمی کوبد
چرایی
راهی نیست.

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

۶۵

بیرون از طوفان
می‌کشد دست مرا
دستی که دست نیست
از این‌جا که می‌بینی
خبری هست، نیست؟

اندازه تلخی‌ها
زبان تو لحنی دارد شیرین
لحظه‌ی از خود نبودنم
باریدن بی‌وقفه تو
از کجای لحظه پا می‌گیرد.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۶۷

را به دریا زدم
دریای آخرم
مرا آفریدن گرفت
میان دریا:
«دریا همین جاست.»

تا جام بالای سرش
وامانده باز خوابش نمی‌برد
به جایی
می‌روم بیرون از این‌جا
تا میدان عبدالرحمن
با جامی که دست در دست
بالای سر بانوی جولیان
جا در جا یادم می‌آید
هی با جام هی بازی
تا بالای سرش بود.

زبان باز از نگفتن است

بی آن که نقشی بزنی

به تو گره خوردم

حال ام را می گویم

پیدا است

بین بافتن و ساختن

حرفی نیست

از عمق رفتن است

که آدم به اوج می رسد

از سرایی که سر برمی گردانم

از سرایی دیگر سر می آوری

در داری که می‌زنی
فرش این‌جا با نقش تو
تر از رنگی است که باختم
در هوای دوستت دارم
می‌شود گفت
فاخته‌ای که رنگ باخت
جدا مانند از تار و پودی که ساخت!
عجب دیوانه‌ای
عجیب‌تر آن‌که حال گفتن است.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

۷۰

چراغ چشمک‌زنی مدام
از خطوط عابری
شب‌ها می‌گذرد
از رفتن تو
راه می‌ماند
و چارراهی.

با موهایت که
یکی با شراب
با برگ زیتون
نگفته روشن بود
از لای پرده
در آمدن خورشید
از لبی که تب داشت
با تبی که داشتی
تاب می آوردی
تمام تاریکی را
با آینه‌ای به سینه
سروری به لب
خوابی تازه.

آثار شعری به همین قلم:

۱. خواب‌های بیداری، چاپ نخست، ۱۳۷۵، ناشر مولف.
۲. مهر و ماه، چاپ نخست، ۲۰۰۱م، انتشارات مَنا پاکستان.
۳. مهر و ماه، چاپ دوم، ۲۰۰۷م، انتشارات تبرستان آلمیان.
۴. بازگشت، ۱۳۸۲، در دست انتشار.

«مجموعه‌ی هزار و یک آسنی» برگزیده‌ی بهترین داستان‌های کوتاه از سراسر جهان است که به منظور آشنایی خوانندگان با تک‌داستان‌های بزرگ جهان صورت گرفته تا این فرصت را برای مخاطب فراهم آورد که در یک نشست بتواند یک داستان را بخواند. انتشارات سولار از این مجموعه منتشر کرده است:

مجموعه یک

۱. تاریخ‌نگار لجباز، چی ماماندا نگوری آدیچه.
۲. شهر گریه‌ها، هاروکی موراکامی.
۳. تخم مرغ مقدس، جینوآ آچه به.
۴. بازار عربی، جیمز جویس.
۵. هنرمند گرمینه، فرانتس کافکا.
۶. نمادها و نشانه‌ها، ولادیمیر ناباکوف.
۷. لکه‌ای بر دیوار، ویرجینیا وولف.
۸. بلیط بخت‌آزمایی، آنتوان چخوف.
۹. غول و زن‌اش و اوایه‌اش، نیما یوشیج.
۱۰. پنبه، ساندرا پاولیچ.
۱۱. عروسک چینی من، هوشنگ گلشیری.
۱۲. راه منتهی به گورستان، توماس مان.
۱۳. ملخ و جیرجیرک زنگوله‌دار، یاسوناری کاواباتا.
۱۴. خرمن از کوهستان بازگشت، آلیس مونرو.
۱۵. فال‌بین، یواخیم ماریا مایجادو د آسیس.
۱۶. قصه کوتاه زندگی وامیلی، لیدیا داویس.
۱۷. دختران مرهنگ مرحوم، کاترین منفیلد.
۱۸. عشق برادرانه، جومپا لاهیری.
۱۹. نره گاوی، مویان.
۲۰. سفارت کامبوج، زادی اسمیت.

انتشارات مولار منتشر کرده است:

از مجموعه شعر معاصر ایران:

۱. آواز فاخته در آياتمان اجاره‌ای، ۴۰۰ هائکوی ایرانی، محمدصادق رئیسی، ۱۳۹۲.
۲. وقت گل دادن اطلسی‌ها، مجموعه شعرهای عاشقانه، محمدصادق رئیسی، ۱۳۹۲.
۳. کوکویی بر شاخه‌ی ناپیدا، مجموعه شعر جلیل قیصری، ۱۳۹۳.
۴. دو قدم مانده به خاکستر، مجموعه شعر تیرداد نصری، ۱۳۹۳.
۵. و درهم‌بند رگه‌ها از کشتی گمشده حرف بود، مجموعه شعر تیرداد نصری، ۱۳۹۳.
۶. تیغ سامی، مجموعه شعر فرشید امینی، ۱۳۹۳.
۷. این بچه دندان در آورده، مجموعه شعر علیرضا توکلی، ۱۳۹۴.
۸. به کجای حجم این جهان برمی‌خورد، مجموعه شعر علیرضا توکلی، ۱۳۹۴.
۹. ماه و آلبالو، مجموعه شعر فرشید امینی، ۱۳۹۵.
۱۰. قبل از مصرف خوب نکان دهید، مجموعه شعر علی خادمی، ۱۳۹۵.
۱۱. صدای شکستن کلمات، مجموعه هائکوی ناهید مادرشاهی، ۱۳۹۵.
۱۲. از کرامات میخ، مجموعه شعر شهرام فروغی‌مهر، ۱۳۹۵.

از مجموعه گزین‌گویه‌ها:

۱. کتابت بر آب، مجموعه گزین‌گویه‌های ابوالحسن خرقانی، ۱۳۹۳.
۲. غرقه‌ی دریای خاک، مجموعه گزین‌گویه‌های بایزید بسطامی، ۱۳۹۳.
۳. طعم خوش وقت، مجموعه گزین‌گویه‌های ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۹۵.
۴. من احمد جامی‌ام، مجموعه گزین‌گویه‌های احمد جامی، ۱۳۹۵.
۵. طامات، مجموعه گزین‌گویه‌های علی خادمی، ۱۳۹۳.

از مجموعه داستان و رمان جهان:

۱. کافکا شام می‌پزد، لیدیا داویس، ترجمه محمدصادق رئیسی، ۱۳۹۳.
۲. به خاک افتاده، دان دللو، ترجمه محمدصادق رئیسی، ۱۳۹۳.

از مجموعه ادبیات قرن:

۱. شاعران نویل، ترجمه شعر ۲۸ شاعر برنده جایزه نویل محمدصادق رئیسی، ۱۳۹۴.
۲. خطابه‌های نویل، ج اول، نمایشنامه‌نویسان و شاعران، ترجمه محمدصادق رئیسی، ۱۳۹۵.
۳. خطابه‌های نویل، ج دوم، رمان‌نویسان، محمدصادق رئیسی، ۱۳۹۵.

۴. خطابه‌های نوبل، ج سوم، رمان نویسان، محمدصادق رئیس، ۱۳۹۵.

از مجموعه شعر جهان:

۱. به من پنگرید خاطره‌ها، توماس تراسترومر، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۲. زنی ایستاده درون شب، عاشقانه‌های زنان جهان، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۳. وقتی از عشق حرف می‌زنیم، ریموند کارور، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ سوم ۱۳۹۵.
۴. جمهوری وجدان، شیموس هینی، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ سوم ۱۳۹۵.
۵. ترانه معصومیت، مجموعه اشعار ویلیام بلیک، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ دوم ۱۳۹۴.
۶. و آنگاه خدا عشق را آفرید، چارلز بوکفسکی، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ دوم ۱۳۹۴.
۷. درگها بسپارند، ویشه یکی، ویلیام باتلر ییش، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ دوم ۱۳۹۴.
۸. بلندی‌های ماجوپیچو، یابلو نرودا، ترجمه پرویز حسینی، چاپ اول ۱۳۹۵.
۹. و انکار انجیل من است، مجموعه اشعار آدونیس، ترجمه ستار جلیل‌زاده، چاپ اول ۱۳۹۵.
۱۰. خانه‌ای که در آن زاده شدیم، خواهران برونته، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ اول ۱۳۹۵.
۱۱. فتح بین النهرین، مجموعه اشعار جنتی لوئیس، ترجمه محمدصادق رئیس، چاپ اول ۱۳۹۵.

Solitary

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

by

Mehrdad Mehrju

Tehran
Soolar Publication

انفرادی
جای عجیبی ست
لب ساحل هم اگر باشی
تحویل سال!



کتابخانه ملی و اسناد
www.nli.ir